

## تاریخ طب و طبابت در ایران

غلامرضا عزیزی\*

تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) به روایت اسناد / پژوهش و نگارش محسن روستایی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۲، ۲ جلد.

### چکیده

تاریخ طب و طبابت در ایران تحقیقی است مفصل درباره تاریخ پزشکی در دوره قاجاریه. مجلد نخست این کتاب، شامل یک فصل تألیف، و چند بخش اسناد است. در فصل تألیف، تاریخ پزشکی ایران در دوره قاجار، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته، و بخش اسناد، مطالبی درباره اطبای محمدعلی شاه، مرگ پرستار صحیه، و گزارشی از فعالیت شش ماهه بیمارستان کودکان را در بر دارد. مجلد دوم در دو بخش تنظیم یافته است. در بخش نخست، شرح حال ۱۹۱ نفر از اطبای استفاده از اسناد و دیگر منابع دست اول آمده است، و بخش دوم شامل کتابچه مستندی است حاوی اسامی ۲۱۳ نفر از پزشکان که در سال ۱۳۲۸ ه. ق. تدوین و تألیف شده.

تاریخ طب و طبابت در ایران عنوان عمومی کتابی دو جلدی است که حاصل هفت سال تلاش و پژوهش محسن روستایی می باشد. جلد نخست که عنوان قوانین و نظامنامه های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس عالی طب و مراکز صحی و درمانی و... را به خود اختصاص داده، علاوه بر پیشگفتار و مقدمه، شامل یک

\*. کارشناس برنامه ریزی و بررسی اسناد و مدارک کشور.

فصل تالیفی و چند فصل اسنادی دیگر نیز هست. در فصل تالیفی با عنوان «نگاهی به تاریخ پزشکی ایران (در عهد قاجار و رضا شاه)»، روستایی کوشیده تا خوانندگان را با سیر تحول و روند تاریخی طب و طبابت در ایران در دوران مورد بحث آشنا سازد. این فصل سیصد و هیجده صفحه‌ای کتاب، با مروری کوتاه بر سلسله قاجار و رسوخ فرهنگ غرب در ایران آغاز شده و پس از آن نویسنده در ۴۱ بخش به بیان این امر پرداخته است.

با مطالعه تاریخچه، خواننده آگاهی‌هایی در خصوص وضعیت طب و طبابت در ایران در دوره قاجار، تحصیل و آموزش پزشکی از طریق «اعزام محصل به فرنگ» و نیز مدرسه طب دارالفنون و ماجرای تقابل طب قدیم و طب اروپایی می‌یابد. روستایی در بیان آموزش طب در دارالفنون پس از ذکر دو واقعه تاریخی از امیرکبیر و تأسیس دارالفنون، به محصلین اعزامی طب به فرنگ (گروه‌های اول و دوم)، استادان دارالفنون و اطبای معروف سایر دوره‌های شعبه طب دارالفنون اشاره کرده است و برخی تأثیرات طبی - بهداشتی دارالفنون را برمی‌شمارد. وی در بخش‌های بعدی که در آنها لزوم داشتن تصدیق طبابت، مجلس حفظ الصحه و وضعیت مدرسه طب بعد از مرگ ناصرالدین شاه تا کودتای ۱۲۹۹ ه. ش. مورد بررسی قرار گرفته، در واقع چگونگی نهادینه شدن طبابت را دنبال می‌کند.

در بخش «مکاتب اربعه و چهارگانه طب»، این مکاتب به عنوان پدیده‌ای مهم در تاریخ پزشکی عهد قاجار که در مقابل مدرسه طب دارالفنون به ظهور رسید، مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از مکاتب، مطب چهار نفر از اطبای میرز تهران که در حکم مکتبی برای آموزش طبابت بود، می‌باشد. از آنجا که در این چهار مطب راه نیل به هدف - اشتغال به طبابت - کوتاه بود و حساب و کتاب و پروانه و جوازی هم در کار نبود، طالبین طبابت این راه را انتخاب می‌کردند و رنج تحصیل در مدرسه را بر خود هموار نمی‌ساختند. این مکاتب عبارت بودند از مطب‌های «میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا، میرزا ابوالحسن خان بهرامی، میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا سید حسین خان نظام الحکما». به طالبین علم طب، پس از طی دوره در این مکاتب، تصدیق نامه داده می‌شد.

روستایی سپس به دانش‌آموختگان طب اعزامی به فرنگ (۱۳۱۱ - ۱۳۲۴ ه. ق)، که شرح حالشان در جلد دوم کتاب آمده، اشاره نموده و بحث تجدید حیات مدرسه دارالفنون (شعبه طب) را پس از ورود معلمین اروپایی پی‌می‌گیرد و در ادامه به کادر

آموزشی دارالفنون، پذیرش داوطلب و فارغ‌التحصیلان طب اشاره می‌نماید. در قسمت قانون طبابت و استحکام بنیان مدرسه طب، روستایی آغاز به کار کلاس چشم پزشکی در سال ۱۳۲۴ ق. و استقلال مدرسه طب را در ابتدای سال ۱۳۳۷ ق. مورد بحث قرار داده و برای نشان دادن وضع مدرسه طب دارالفنون، گزارش رسمی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۲۹۷ ش. را در این خصوص آورده است.

در بخش‌های نظام نامه دوا فروشی، عطاری‌ها، داروخانه شورین، به وضعیت داروسازی و دارو فروشی اشاره گردیده و برای نشان دادن روند تاریخی نهادینه شدن حرفه پزشکی، بیان نامه اتحادیه اطباء دیپلمه آورده شده است.

عنوان‌های بعدی بخش تاریخچه در برگیرنده مباحث مربوط به تاریخچه طب و طبابت در روزگار پهلوی اول می‌باشد و عبارت است از مدرسه طب از ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۹، محصلین اعزامی در بخش پزشکی، تاسیس دانشگاه تهران و بنای جدید دانشکده طب، تاریخ دانشکده داروسازی و تاریخ مدرسه دندان سازی.

در بخش بعد روستایی به شیوه‌ای موجز و مختصر تاریخچه تأسیس و فعالیت‌های بیمارستان‌های دوران قاجار و پهلوی را برمی‌شمارد. بیمارستان‌هایی که در این بخش بدان‌ها اشاره شده عبارتند از دارالشفای تهران، بیمارستان نظامی (نخستین بیمارستان نوین در ایران)، مریض‌خانه دولتی (ابن سینا)، بیمارستان سپهسالار، بیمارستان وزیری (حاجی شیخ هادی)، بیمارستان رازی، بیمارستان امیر اعلم، بیمارستان پهلوی (۵۰۰ تختخواب)، بیمارستان فیروز آبادی، بیمارستان سمنان، دارالشفای قم، بیمارستان فاطمی و سهامیه قم.

روستایی برای تکمیل این بخش، و نیز برای نشان دادن چگونگی پیشبرد امور طب و طبابت و نوین سازی آنها به بیان تأسیس آموزشگاه عالی مامایی، آموزشگاه‌های عالی بهداری شهرستان‌ها و آموزشگاه پرستاری پرداخته است. در بخش بیمارستان‌های اروپاییان در ایران در دوران قاجار و پهلوی اول، نویسنده ضمن اشاره‌ای کوتاه به بیمارستان پرتغالی‌ها در جزیره هرمز، بیمارستان روس‌ها در جزیره آشوراده و بیمارستان‌های شوروی در رشت و تهران، بیمارستان‌های امریکایی‌ها در ارومیه و رشت و تهران، و بیمارستان‌های هیأت‌های مذهبی انگلیس در چند محله اصفهان، یزد، کرمان و شیراز را به شیوه‌ای موجز بررسی می‌کند. این بحث مقدمه‌ای است تا در آن روستایی به معرفی شماری از پزشکان و معلمین خارجی طب در ایران بپردازد. پزشکانی که در این بخش معرفی شده‌اند عبارتند از: دکتر کورمیک، دکتر

لابات، دکتر کلوکه، دکتر پولاک، دکتر طولوزان، دکتر شلیمر، دکتر ژوستن، دکتر آلبو، دکتر بازیل، دکتر ژرژ، دکتر گاله، گاشه، دوشن مارولا، بگمز (محمد حسن خان عماد الاطبا)، فوریه، فوکتی، ایلبرگ، راتوله، کاکران، هینچه، فاگرین، ویلسن، کاستالدی، مولر، لف، کوپن و چند تن دیگر. بخش‌های بعدی به تاثیر و خدمات پزشکی فرانسه به ایران و تشکیلات فرهنگی و بهداشتی خارجیان در ایران نظر دارد.

روستایی برای تکمیل این بخش، بحثی را با عنوان «مختصری پیرامون پزشکی میسیون در ایران» باز کرده که در آن به شرح فعالیت‌های پزشکانی که همراه میسیون‌های مذهبی به ایران سفر کرده‌اند پرداخته و در این بخش ضمن اشاره به فعالیت پزشکان میسیون‌های مذهبی در ارومیه، تهران، تبریز، رشت و همدان، پزشکی میسیون را در جنگ جهانی اول و سال‌های پس از آن معرفی کرده است.

بعد از بیان مطالب پیش گفته، روستایی بخشی را با عنوان «قدری هم راجع به بهداشت و درمان بیماری‌ها» باز نموده که در این بخش تصویری کلی از وضعیت بهداشتی - درمانی کشور پیش از ورود طب نوین در ایران را نشان داده و به بیان بیماری‌های بومی و شایع ایران پرداخته و برخی درمان‌های رایج را بر شمرده است. در این بخش توصیه‌های پزشکی دکتر پولاک آورده شده است. وی از خارجیان مقیم ایران خواسته بود تا با رعایت برخی موارد، از بیمار شدن خویش جلوگیری نمایند.

مؤلف بحث تاریخچه پزشکی را با انعقاد اولین مجلس حفظ الصحه دولتی و رسمی ایران در سال ۱۳۲۲ ق. در تهران و نظامنامه آن و اقدامات این مجلس برای سر و سامان دادن به اوضاع بهداشتی ایران و مسائل و اقداماتی که منجر به صدور قانون حفظ الصحه و آبله کوبی شد و اقدامات صحیه کل مملکتی را شرح می‌دهد. روستایی برای اینکه خواننده بهتر در جریان اوضاع بهداشتی و پزشکی قرار بگیرد در این بخش چند سند را بازخوانی کرده است؛ اسنادی دربارهٔ اطباء محمد علی شاه، مرگ پرستار صحیه و خواهرش و گزارشی از فعالیت شش ماهه بیمارستان کودکان.

تاریخچه مفصل طب و طبابت در ایران با شرح حال دکتر احمدیه<sup>۱</sup> و با ارائه چند آگهی که نمایانگر قدردانی مردم ایران از پزشکان است<sup>۲</sup> و فهرست منابع و ماخذ مربوط به مقدمه و تاریخچه به پایان می‌رسد.

همچنان که خواننده محترم از خواندن سطور فوق - و به خصوص خواندن مقدمه کتاب - در می‌یابد روستایی کوشیده است تا در فصل تاریخچه، خواننده را با روند پیدایش و چگونگی شکل‌گیری پزشکی نوین آشنا سازد. پس از بیان این مقدمه

مفصل، روستایی متن بازخوانی و بازنویسی شده اسناد مربوط به قوانین و نظامنامه‌های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس و... را در ۹ فصل آورده است. این بخش‌ها عبارتند از «متن اسناد و قوانین طبابت، اخبار و اعلانات طبی و صحی، انعقاد چند قرارداد میان دولت ایران با اطبای فرنگی، نظامنامه‌های صحی و حفظ الصحه، قانون جلوگیری از بیماری‌های خاص، ایجاد مدارس عالی طب و دانشکده پزشکی، اسنادی از اوضاع بهداشتی و شیوع بیماری‌های مسری، یک طرح جامع صحی و بهداشتی (۱۳۱۱) و (اسنادی از) بیمارستان‌ها و مراکز صحی و درمانی. شایان ذکر است که بخش‌های اسنادی، گذشته از آن که نشانگر حال و هوای اوضاع پزشکی، بهداشتی (خصوصاً) و اجتماعی - اقتصادی و... جامعه ایرانی در روزگار مورد بررسی است، می‌تواند به عنوان یک منبع بکر و اصلی برای علاقمندان تاریخ پزشکی باشد و در پژوهش‌هایشان مورد استفاده و مراجعه قرار گیرد.

نکته‌ای که درخصوص فصل‌های اسنادی باید بدان اشاره نمود این است که روستایی تنها به اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بسنده نکرده و برای نشان دادن اوضاع پزشکی و بهداشتی از دیگر منابع یاری جسته است. برای نمونه «قانون خدمتگزاری پزشکان، مصوبه هفتم مرداد ۱۳۱۸» (صص ۶۹ - ۷۴، جلد اول کتاب) از ضمیمه مجله بهداشت، شماره اول، فروردین ۱۳۲۵، صص ۲۴ و ۲۵ و «قانون اجازه استخدام آقای پرفسور ابرلنگ، تبعه دولت جمهوری فرانسه برای ریاست و اسنادی دانشکده پزشکی بهمن ماه ۱۳۱۸» (صص ۷۴ - ۷۵) از دوره دوازدهم قانونگذاری، جلسه ۱۸ مذاکرات مجلس، صورت مشروح مجلس روز سه‌شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۱۸، ص ۷ نقل شده است. در این میان از نشریات دوره قاجار (از جمله روزنامه دولت علیه ایران، روزنامه ناصری، روزنامه ایران، روزنامه ایران سلطانی که غالباً درسال‌های اخیر تجدید چاپ شده‌اند) و پهلوی (از جمله روزنامه اطلاعات و مجله بهداشت) مطالبی نقل شده است. جلد نخست با فهرست عمومی اعلام و نمونه تصاویر اسناد و عکس‌ها پایان گرفته است.

جلد دوم کتاب به شرح حال رجال طبیبان عهد قاجار و رضا شاه اختصاص دارد و در آن شرح حال طبیبانی آورده شده که غالباً درس خوانده دارالفنون یا خارج ازکشور بوده‌اند و یا پس از گذراندن امتحانات نزد طبیب معتبر و یا یک مرجع قانونی، تصدیق نامه طبابت دریافت نموده‌اند. جلد دوم در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول شرح حال ۱۹۱ نفر از رجال طبیبان با استفاده از اسناد (به ویژه) و نیز دیگر منابع دست

اول از جمله روزنامه‌ها و مجلات دوران قاجار و پهلوی، سالنامه‌ها و برخی مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها و اسناد خانوادگی طبیبان نگارش یافته است. بخش دوم جلد دوم کتاب «تاریخ طب و طبابت»... شامل کتابچه مستندی است حاوی اسامی ۲۱۳ نفر از طبیبان که در سال ۱۳۲۸ ق. نگارش یافته است. در این کتابچه بعد از نام هر طبیب معمولاً اطلاعات مختصری از جمله اسم پدر، مسقط الرأس، سن، محل اقامت، مدت تحصیل، تصدیقنامه، تخصیص معالجات، محل تحصیل، مدت عملیات و تصریحات آمده است. از آنجا که اطلاعات کامل تری درباره ۳۰ نفر از این طبیبان در بخش اول این جلد آورده شده، اطلاعات مختصر دفترچه از جلوی اسامی آنها حذف گردیده و پس از تکمیل به بخش اول انتقال یافته است. این موارد با علامت «ج دوم» همین کتاب، مشخص شده‌اند. بدین گونه محسن روستایی در جلد دوم کتابش تعداد ۳۷۴ نفر از طبیبان نامدار و ناشناخته ایران در دوران مورد بحث را معرفی نموده است.

جلد دوم با فهرست منابع و مأخذ، فهرست عمومی اعلام و گزیده اسناد و عکس‌ها به پایان می‌رسد. در یک جمع بندی کلی باید گفت که خواننده با مطالعه کتاب تاریخ طب و طبابت در ایران افزون بر مطالب پیش گفته با گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فرهنگ عامه روزگار قاجار و پهلوی اول و نیز لقب‌شناسی طبیبان آن دوران آشنا می‌گردد.

علی رغم تلاش و کوشش روستایی تعداد اندکی غلط‌های چاپی در متن دیده می‌شود (از قبیل حق التقدّم به جای حق القدم و یا بیماری‌ها به جای بیماری‌ها) که بی انصافی است در برابر این کار ارزشمند به آنها اشاره کرد. چه نویسنده کتاب در پایان مقدمه وعده بر رفع این نقایص در چاپ بعدی داده است. همچنین در مقدمه، وعده چاپ جلد سوم نیز داده شده است. مجلدی که در آن مطالب تازه‌یاب و معرفی و شرح حال نخستین چشم پزشکان، دندانسازان،... و نیز گروهی دیگر از پزشکان خواهد آمد.

#### پی‌نوشتها

۱. از آنجا که روستایی، بخش تاریخچه را پس از به اتمام رسیدن جلد‌های اول و دوم نگاشته است و در هنگام نگارش شرح حال دکتر احمدیه، ماژور عبدالله خان... در جلد دوم تنها یک برگ سند در اختیار داشته. در این قسمت از تاریخچه با اتکا به اطلاعات و اسناد یافت شده، توضیحات بیشتری از شرح حال دکتر احمدیه ارائه نموده است.
۲. این آگهی‌ها از سالنامه پارس نقل شده است.